

مرجعیت

در عرصهٔ اجتماع و سیاست

اسناد و گزارش‌هایی از آیات عظام نائینی،

اصفهانی، قمی، حائری و بروجردی،

۱۲۹۲ تا ۱۳۳۹ شمسی

به کوشش سید محمد حسین منظورالاجداد

سرشناسه	منظور الاجداد، محمد حسینف ۱۳۳۴.
عنوان و نام پدیدآور	: مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست: اسناد و گزارش هایی از آیات عظام نایینی، اصفهانی، قمی، خایری و بروجردی، ۱۳۹۲ تا ۱۳۳۹ شمسی / به کوشش سید محمد حسین منظور الاجداد.
مشخصات نشر	: تهران: پردیس دانش ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: بیست چهار، ۵۴۸ص: مصور.
فروست	: مجموعه تاریخ معاصر ایران - ۲۳.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۰-۱۰۵-۳
فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: چاپ قبلی: نشر و پژوهش شیرازه، ۱۳۷۹.
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
یادداشت	: نمایه
عنوان دیگر	: اسناد و گزارش هایی از آیات عظام نایینی، اصفهانی، قمی، خایری و بروجردی، ۱۳۹۲ تا ۱۳۳۹ شمسی، مجتهدان و علما - ایران - فعالیت های سیاسی - اسناد و مدارک
موضوع	: مجتهدان و علما - ایران - سرگذشتنامه
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۳BP۵۵/۲: م۸۴
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۹۹۶۰۷۲:
شماره کتاب شناسی ملی	: ۳۶۷۰۳۷۱



مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست

اسناد و گزارش هایی از آیات عظام نایینی، اصفهانی، قمی، خاخری و بروجردی، ۱۳۹۲ تا ۱۳۳۹ شمسی

نویسنده: به کوشش سید محمد حسین منظور الاجداد

انتشارات: پردیس دانش

طراح جلد: پردیس خرمی

چاپ اول: پردیس دانش

تیراژ: ۶۶۰ نسخه ۱۳۹۴

حق چاپ و نشر محفوظ است.

تهران. صندوق پستی: ۱۱۱-۱۳۱۴۵

تلفن: ۸۸۹۵۲۲۹۷ - فکس: ۸۸۹۵۱۶۹۱

همراه: ۹۳۶۹۵۰۰۱۸۲

سایت: www.shirazehketab.net

فهرست

فهرست موضوعی اسناد	هفت
یادداشت دبیر مجموعه	بیست و سه
دیباچه	۱
آیت الله میرزا محمدحسین طائیفی	۱۵
آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی	۹۵
آیت الله حاج آقا حسین قمی	۲۲۳
آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی	۳۱۳
آیت الله حاج آقا حسین بروجردی	۴۰۱
تصاویر نمونه‌هایی از اسناد	۵۰۶
فهرست اعلام	۵۲۱

فهرست موضوعی اسناد

ردیف	فهرست موضوعی	شماره تنظیم *	صفحه
۱.	اسناد آیت الله میرزا محمد حسین نائینی اعلام تصویب برقراری مستمری سالیانه برای آیت الله نائینی	۲۴۰-۹۹/۳۲/۷	۳۳
۲.	دستور اجرای مفاد تصویب نامه فوق الذکر	۲۴۰-۹۹/۳۲/۲	۳۴
۳.	استعلام در مورد منبع مالی مستمری تصویب شده	۲۴۰-۹۹/۳۲/۴۲	۳۵
۴.	تأکید ریاست وزرا بر ضرورت اقدام وزارت مالیه برای تأمین منبع مالی مستمری مذکور	۲۴۰-۹۹/۳۲/۸	۳۶
۵.	دستور وزارت مالیه به خزانه داری مبنی بر اجرای مفاد تصویب نامه هیأت دولت در مورد مستمری آیت الله نائینی	۲۴۰-۹۹/۳۲/۹	۳۷
۶.	استعلام مجدد خزانه داری در مورد منبع مالی مستمری تصویب شده	۲۴۰-۹۹/۳۲/۱۰	۳۷-۳۸
۷.	تأکید مجدد وزارت مالیه بر ضرورت اجرای مفاد تصویب نامه هیأت دولت	۲۴۰-۹۹/۳۲/۳۹	۳۷-۳۸
۸.	اعلام خزانه داری مبنی بر درج یکصد و پنجاه تومان مستمری سالیانه آیت الله نائینی در کتاب وظایف	۲۴۰-۹۹/۳۲/۱۲	۳۹
۹.	درخواست آیت الله نائینی برای دریافت «مستمریات سابقه و لاحق»	۲۴۰-۹۹/۳۲/۶	۴۰-۴۲
۱۰.	ارسال نامه آیت الله نائینی به وزارت مالیه	۲۴۰-۹۹/۳۲/۱۵	۴۲

* برخی اسناد شماره تنظیم ندارند. این اسناد یا برگرفته از مجموعه مرکز اسناد ریاست جمهوری هستند که در متن با علامت * مشخص شده اند و یا در مورد معدودی از آنها، از اسناد سازمان اسناد ملی ایران که شماره تنظیم آنها در دست نبوده است.

هشت مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست

۱۱. ضرورت درخواست از آیت الله نائینی برای ارسال
تعرفه حقوق خود به اداره و وظایف ۲۴۰-۹۹/۳۲/۱۵ ۴۳
۱۲. استعلام اداره و وظایف در مورد نحوه پرداخت
مستمری جدید آیت الله نائینی ۲۴۰-۹۹/۳۲/۴۴ ۴۳-۴۴
۱۳. ارسال تعرفه حقوق پیشین آیت الله نائینی از سوی
سید محسن صدرالعلما و درخواست صدور المثانی
قبض ۲۴۰-۹۹/۳۲/۳۴ ۴۵
۱۴. دستور تحقیق در مورد پرداخت یا عدم پرداخت
وجه تعرفه گم شده ۲۴۰-۹۹/۳۲/۳۸ ۴۶
۱۵. اعلام صدور و ارسال قبض المثانی حقوق آیت الله نائینی ۲۴۰-۹۹/۳۲/۴۳ ۴۷
۱۶. درخواست میرزا محسن برای دریافت یکباره کل
مبلغ مستمری آیت الله نائینی ۲۴۰-۹۹/۳۲/۳۱ ۴۷-۴۸
۱۷. اعلام پرداخت مستمری آیت الله نائینی در طی چهار قسط ۲۴۰-۹۹/۳۲/۴۶ ۴۸
۱۸. درخواست میرزا محسن برای دریافت تمامی مبلغ
مستمری آیت الله نائینی ۲۴۰-۹۹/۳۲/۳۲ ۴۹
۱۹. توضیح در مورد علت سرکشتگی خزانه داری برای تعیین
مبلغی که باید به آیت الله نائینی پرداخت می شد ۲۴۰-۹۹/۳۲/۱۸ ۵۰
۲۰. دستور به خزانه داری برای پرداخت تمامی مبلغ مستمری ۲۴۰-۹۹/۳۲/۳۰ ۵۰-۵۱
۲۱. درخواست پرداخت وجه مستمری آیت الله نائینی
برطبق حکم اولیه ۲۴۰-۹۹/۳۲/۲۹ ۵۲-۵۲
۲۲. اعلام موافقت با درخواست فوق الذکر و صدور
دستور لازم ۲۴۰-۹۹/۳۲/۲۸ ۵۳
۲۳. درخواست میرزا محسن برای دریافت تمامی مبلغ
مستمری آیت الله نائینی ۲۴۰-۹۹/۳۲/۲۱ ۵۴
۲۴. کسب تکلیف اداره و وظایف در مورد درخواست
میرزا محسن ۲۴۰-۹۹/۳۲/۲۲ ۵۵
۲۵. موافقت وزیر مالیه با درخواست میرزا محسن ۲۴۰-۹۹/۳۲/۲۳ ۵۶
۲۶. درخواست مجدد میرزا محسن و اعلام موافقت با آن ۲۴۰-۹۹/۳۲/۱۶ ۵۶-۵۷
۲۷. ارسال قبض مستمری آیت الله نائینی و درخواست
پرداخت وجه آن ۲۴۰-۹۹/۳۲/۲۴ ۵۷-۵۸

فهرست موضوعی اسناد نه

۲۸. دستور وزارت مالیه برای پرداخت وجه مستمری ۲۴۰-۹۹/۳۲/۱۹ ۵۹-۵۸
فوق‌الذکر
۲۹. مسود استفتا از آیت‌الله نائینی در مورد مدارس ۶۳۰۰۲/۴۱۶۳/۱۵۹/۲ ۵۹-۶۰
جدید و پاسخ ایشان
۳۰. نامه پندآمیز آیت‌الله نائینی به رضاشاه ۶۱-۶۳
۳۱. اقدام آیت‌الله نائینی به معرفی وکیل برای خرید ۱۱۶۰۰۱-۳/۶۸ ۶۴
روپیه
۳۲. استعلام در مورد میزان نیاز آیت‌الله نائینی به روپیه ۱۱۶۰۰۱-۳/۶۸ ۶۴-۶۵
۳۳. درخواست صدور اجازه خرید ماهانه یک هزار ۱۱۶۰۰۱-۳/۶۸ ۶۵-۶۶
تومان روپیه از سوی آیت‌الله نائینی
- ۳۴-۳۵. دستور ریاست وزرا به مالیه برای پذیرش حواله ۱۱۶۰۰۱-۳/۶۸ ۶۷-۶۶
ماهانه یک هزار تومان به عتبات
۳۶. ارجاع آیت‌الله نائینی به کمیسیون اسعار وزارت مالیه ۱۱۶۰۰۱-۳/۶۸ ۶۷
۳۷. یادداشت کابینه ریاست وزرا و اعلام پذیرش ۱۱۶۰۰۱-۳/۶۸ ۶۸
درخواست پیشین آیت‌الله نائینی
۳۸. اعلام پذیرش درخواست آیت‌الله نائینی به وکیل ایشان ۱۱۶۰۰۱-۳/۶۸ ۶۸
۳۹. اعلام موافقت با حواله پول برای سید محمد ۱۱۶۰۰۱-۳/۶۸ ۶۸-۶۹
بهبهانی و آیت‌الله نائینی
۴۰. اعلام موافقت با حواله پول برای حاج شیخ اسحاق ۱۱۶۰۰۱-۳/۶۸ ۶۹
رشتی و آیت‌الله نائینی
۴۱. ابراز تشکر آیت‌الله نائینی از اقدامات رئیس الوزرا ۱۱۶۰۰۱-۳/۶۸ ۶۹-۷۰
برای حواله پول
۴۲. شکایت آیت‌الله نائینی از عدم فروش حواله ارز به ۱۱۶۰۰۱-۳/۶۸ ۷۰-۷۱
وکیل ایشان
۴۳. بیان مشکلات ارزی بانک ملی از سوی ریاست وزرا ۱۱۶۰۰۱-۳/۶۸ ۷۱-۷۲
- ۴۴-۴۵. شکایت آیت‌الله نائینی از «منع بروات» و نامه آیت‌الله ۱۱۶۰۰۱-۳/۶۸ ۷۲-۷۴
رشتی
۴۶. بیان مشکلات بانک در صدور برات از سوی ریاست وزرا ۱۱۶۰۰۱-۳/۶۸ ۷۵
۴۷. اعلام عدم امکان تهیه ارز ارزان به آیت‌الله رشتی ۱۱۶۰۰۱-۳/۶۸ ۷۵-۷۶

۴۸. درخواست آیت الله رشتی برای صدور اجازه فروش
ارز به ایشان و وکیل آیت الله نائینی
۱۱۶۰۰۱۳/۶۸ ۷۶
۴۹. ارجاع آیت الله رشتی به بانک ملی
۱۱۶۰۰۱۳/۶۸ ۷۷
۵۰. درخواست مجدد آیت الله رشتی برای صدور اجازه
فروش ارز
۱۱۶۰۰۱۳/۶۸ ۷۷-۷۸
۵۱. رد درخواست یاد شده از سوی رئیس الوزرا
۱۱۶۰۰۱۳/۶۸ ۷۸
۵۲. اعلام موضع دربار نسبت به درخواست آیت الله
نائینی برای معافیت فرزند یکی از تجار از نظام
وکیل عمو
۱۱۶۰۰۴/۱۳۵۳ ۷۹
۵۳. درخواست آیت الله نائینی برای مساعدت وزارت
امور خارجه به بازگشت حاج حسین آقا تاجر
نریزی به عراق
۱۱۶۰۰۱۳/۷۰ ۸۰-۷۹
۵۴. اعلام خبر فوت آیت الله نائینی از سوی وزارت امور خارجه
۱۱۶۰۰۱۳/۷۰ ۸۰
۵۵. تصویب نامه هیأت وزیران برای پرداخت مخارج مجلس
ترحیم آیت الله نائینی از محل اعتبارات دولت
۱۱۶۰۰۱۳/۶۶ ۸۰
- ۵۶-۵۷. درخواست آیت الله نجف آبادی از حاکم اصفهان
برای صدور اجازه برگزاری مجلس ترحیم آیت الله
نائینی و رد این درخواست
۲۹۱۰۰۱۶۲۸ ۸۱-۸۳
- ۵۸-۶۰. ممانعت دولت از برگزاری مراسم ختم آیت الله
نائینی در اصفهان
۱۱۶۰۰۱۳/۶۶ ۸۴-۸۶
۶۱. گزارش قصد آیت الله حائری برای برگزاری مراسم
ختم آیت الله نائینی
۱۱۶۰۰۱۳/۶۶ ۸۶
۶۲. گزارش برگزاری مراسم ختم آیت الله نائینی در
قزوین
۱۱۶۰۰۱۳/۶۶ ۸۶
۶۳. منع حاکم کاشان از برگزاری مجالس ترحیم آیت الله
نائینی
۱۱۶۰۰۱۳/۶۶ ۸۷
۶۴. اقدام دولت به مصادره تلگرافهای علما مبنی بر
تشویق مردم به برگزاری مجالس ترحیم آیت الله
نائینی
۱۱۶۰۰۱۳/۶۶ ۸۷

۶۵. برگزاری مجالس ترحیم آیت‌الله نائینی در نائین ۱۱۶۰۰۱۳/۶۶ ۸۸
۶۶. گزارش برگزاری مجلس ترحیم آیت‌الله نائینی در سبزوار ۱۱۶۰۰۱۳/۶۶ ۸۸
۶۷. اقدام رئیس مجلس به ارسال نامه فرزند آیت‌الله نائینی ۱۱۶۰۰۱۳/۶۹ ۸۸-۸۹
- ۶۸-۶۹. درخواست فرزند آیت‌الله نائینی از ریاست وزرا برای صدور اجازه حواله ارز ۱۱۶۰۰۱۳/۶۹ ۸۹-۹۰
- ۷۰-۷۵. اعلام موافقت وزارت مالیه با حواله مبلغ معینی ارز به عراق و اعتراض رئیس مجلس به کمی مبلغ موافقت شده ۱۱۶۰۰۱۳/۶۹ ۹۱-۹۴

اسناد آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی

۱. پاسخ آیت‌الله اصفهانی به استعلام در مورد زمان حرکت آیت‌الله بروجرودی از نجف ۱۱۵
۲. گزارش میرزاهادی خراسانی در مورد تحریکات بر ضد دولت ایران در حوزه نجف ۱۱۶-۱۲۲
۳. گزارش ویس قنصول ایران در نجف در مورد انتظار علما برای صدور دستور حرکت نماینده آنان ۱۲۲-۱۲۳
۴. گزارش مذمت شدید آیت‌الله اصفهانی از اوضاع دینی و سیاسی کشور ۱۲۳-۱۲۵
۵. معرفی کسانی که در نجف بر ضد دولت ایران فعالیت تبلیغی می‌کنند ۱۲۵-۱۲۷
۶. گزارش ویس قنصول ایران در نجف از مذاکره با یکی از مخالفین دولت ایران ۱۲۹-۱۳۴
۷. گزارش ویس قنصول ایران در نجف از تأکید خود بر حقانیت دولت ایران در برابر اعتراضات علما ۱۲۹-۱۳۴
۸. گزارش در مورد اصرار علمای اصفهان برای کسب همراهی آیات عظام مقیم عتبات ۱۳۴-۱۳۵
۹. گزارش مفاد تلگراف علمای نجف به علمای اصفهان و اصرار طلاب به علمای نجف برای ابراز همراهی با مهاجرین به قم ۱۳۶-۱۳۷

۱۰. مقایسه به عمل آمده از سوی ویس قنصل ایران در نجف راجع به تفاوت برخورد دو دولت ایران و عراق با روحانیت ۱۳۷-۱۳۹
۱۱. گزارش محمود خراسانی در مورد توضیح وقایع ایران به آیات مقیم نجف ۱۳۹-۱۴۰
۱۲. گزارش شیخ محسن علاءالمحدثین از محتوای نامه ارسالی حاج شیخ عبدالکریم به وی ۱۴۱-۱۴۲
۱۳. گزارش محمود خراسانی در مورد نیت علما برای قوتدادن نماینده به ایران ۱۴۲-۱۴۴
۱۴. دستور توقیف نمایندگان علما به فرمانده قوای سرحدی قصر شیرین ۱۴۴-۱۴۵
۱۵. گزارشی ویس قنصل ایران در نجف از قصد علما به ارسال نامه و اعزام نماینده ۱۴۵-۱۴۶
۱۶. گزارش فعالیت‌های میرزامهدی خراسانی برای بازداشتن علما از ابراز مخالفت با دولت ایران ۱۴۶-۱۴۸
۱۷. اقدامات ویس قنصل ایران در نجف برای بازداشتن علما از همراهی با علمای اصفهان ۱۴۸-۱۵۰
۱۸. گزارش مذاکره میرزامهدی خراسانی با علما و تشویق آنان به محکوم کردن اقدامات علمای اصفهان ۱۵۰-۱۵۱
۱۹. اقدامات قنصل ایران در بغداد برای جلوگیری از مسافرت نمایندگان علما به ایران ۱۵۲
۲۰. گزارش ویس قنصل ایران در نجف از اشاعه اخبار دروغ بر ضد ایران ۱۵۳-۱۵۵
۲۱. اعلام انصراف علمای مقیم نجف از اعزام نماینده به ایران ۱۵۵-۱۵۶
۲۲. نامه آیت‌الله اصفهانی متضمن بیان راه رفع سوء تفاهم دولت در مورد مخالفت علما با آن ۱۵۶-۱۵۷
۲۳. درخواست نماینده آیت‌الله اصفهانی در تهران برای دریافت تذکره عبور ۱۵۷-۱۵۸

۱۵۸-۱۵۹	توصیه نامه مخبر فرهمند برای نماینده آیت الله اصفهانی	۲۴
۱۵۹	صدور دستخط مرحمت آمیز شاه برای آیات عظام نائینی و اصفهانی و آقامیرزا مهدی خراسانی	۲۵
۱۶۰-۱۶۵	گزارش ویس قونسول ایران در نجف از مذاکرات خود با علمای عتبات در مورد طرح بازگرداندن فقرای ایرانی	۲۶
۱۶۵-۱۶۶	نامه فرزند آیت الله اصفهانی به ریاست وزرا و درخواست احقاق حقوق ایرانیان در مذاکره با هیأت سیاسی عربستان سعودی	۲۷
۱۶۶-۱۶۷	پاسخ ریاست وزرا به نامه فرزند آیت الله اصفهانی و توضیح مواد مورد توافق با سعودی ها	۲۸
۱۶۸-۱۷۰	گزارش ویس قونسول ایران در نجف از محاکمه قاتل فرزند آیت الله اصفهانی	۲۹
۱۷۱	ارسال سواد گزارش فوق الذکر به علیه	۳۰
۱۷۱	تعیین محل نگهداری تصویب نامه اعطای قیمت سرعصای مرحمتی به آیت الله اصفهانی	۳۱
۱۷۱-۱۷۲	درخواست اجازه صدور تذکره برای شیخ مهدی واعظ	۳۲
۱۷۲	اعلام موافقت با درخواست شیخ مهدی واعظ به شهربانی	۳۳
۱۷۲-۱۷۳	شکایت مشیر حسینی عضو دادگستری از انتظار خدمت	۳۴
۱۷۳-۱۷۴	بیان خطای مشیر حسینی در گرفتن سهم امام برای آیت الله اصفهانی در مأموریت نیشابور	۳۵
۱۷۴-۱۷۵	اعلام درخواست آیت الله اصفهانی از دولت برای ایجاد تسهیلات در سفر زوار ایرانی به عراق	۳۶
۱۷۵	تشکر آیت الله اصفهانی از ارسال تلگراف تسلیت فوت آیت الله عراقی	۳۷

چهارده مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست

۱۷۶	$\frac{۱۱۶۰۰۱-۲}{۶۵-۱۷}$	۳۹-۳۸. دستور به وزارت خارجه جهت اقدام برای رعایت حرمت فرزند آیت الله اصفهانی و پاسخ آن
۱۷۷-۱۷۸	$\frac{۱۱۶۰۰۱-۲}{۶۵-۲۴}$	۴۱-۴۰. ارسال رونوشت گزارش سفارت ایران در بغداد مبنی بر قصد مسافرت آیت الله اصفهانی به ایران
۱۷۸-۱۷۹	$\frac{۱۱۶۰۰۱-۲}{۶۵-۲۴}$	۴۳-۴۲. اعلام احتمال مسافرت آیت الله اصفهانی به ایران به دربار، وزارت کشور و شهربانی
۱۷۹-۱۸۰	$\frac{۱۱۶۰۰۱-۲}{۶۵-۲۴}$	۴۴. دستور تهیه وسایل آسایش آیت الله اصفهانی از سوی دربار و اعلام این که در صورت مسافرت به ایران میهمان دربار خواهند بود
۱۸۰	$\frac{۱۱۶۰۰۱-۲}{۶۵-۲۴}$	۴۵. اعلام انصراف آیت الله اصفهانی از سفر به ایران
۱۸۰-۱۸۱	$\frac{۱۱۶۰۰۱-۲}{۶۵-۲۴}$	۴۶. گزارش ورود حاجی آقا حسین پسر آیت الله اصفهانی به ایران
۱۸۱-۱۸۵	$\frac{۱۱۶۰۰۱-۲}{۶۵-۲۵}$	۵۱-۴۷. فوت پدر همسر آیت الله اصفهانی در ایران و ضرورت تهیه وسایل حمل جنازه به عتبات عالیات
۱۸۶-۱۸۷	$\frac{۱۱۶۰۰۱-۲}{۶۵-۱۹}$	۵۳-۵۲. درخواست صدور گذرنامه برای حاج شیخ حبیب الله مشایخی
۱۸۷-۱۸۸	$\frac{۱۱۶۰۰۱-۲}{۶۵-۳}$	۵۴. متهم ساختن نماینده آیت الله اصفهانی به ایجاد آشوب و اختلاف بین مسلمان و بهایی از سوی شهربانی
۱۸۸-۱۹۱	$\frac{۱۱۶۰۰۱-۲}{۶۴}$	۵۸-۵۵. توصیه نامه آیت الله اصفهانی برای سید مهدی مرعشی و پاسخ نخست وزیر
۱۹۲-۱۹۵	$\frac{۱۱۶۰۰۱-۲}{۶۵-۵}$	۶۳-۵۹. درخواست حاج عباس اخوان برای صدور اجازه خروج دو عدل برک خراسانی و معافیت آن از تعهد فروش ارز
۱۹۵-۱۹۸	$\frac{۱۱۶۰۰۱-۲}{۶۵-۲۱}$	۶۸-۶۴. استعلام علما در مورد سیاست دولت نسبت به حج در سال ۱۳۲۴ و اعلام بقای مقتضیات منع
۱۹۸-۱۹۹	$\frac{۱۱۶۰۰۱-۲}{۶۵-۱۶}$	۷۰-۶۹. اعلام بیماری آیت الله اصفهانی و گزارش عیادت وزیر مختار ایران از ایشان
۲۰۰	$\frac{۱۱۶۰۰۱-۲}{۶۵-۱}$	۷۱. اعلام مسافرت آیت الله اصفهانی به بعلبک از سوی سفارت ایران در بغداد

۷۳-۷۲	توصیه‌نامه آیت‌الله اصفهانی برای حاج محقق خراسانی	۱۱۶۰۰۱-۲ ۶۵-۱۴	۲۰۰-۲۰۲
۷۷-۷۴	تدارک دولت ایران برای پذیرایی از آیه‌الله اصفهانی در پی قوت گرفتن احتمال مسافرت ایشان به کرند	۱۱۶۰۰۱-۲ ۶۵-۲۴	۲۰۲-۲۰۴
۷۹-۷۸	اعلام ورود فرزند و برادرزادگان آیت‌الله اصفهانی به ایران	۱۱۶۰۰۱-۲ ۶۵-۴	۲۰۴-۲۰۶
۸۰	گزارش برگزاری مراسم رحلت آیت‌الله اصفهانی در سمنان و گرمسار	۱۱۶۰۰۱-۲ ۶۵-۷	۲۰۶
۸۲-۸۱	کارت دعوت شرکت در مراسم بزرگداشت رحلت آیت‌الله اصفهانی	۱۱۶۰۰۱-۲ ۶۵-۲۶	۲۰۷
۸۳	بیانیه جامعه تعلیمات اسلامی در مورد رحلت آیت‌الله اصفهانی	۱۱۶۰۰۱-۲ ۶۵-۱۱	۲۰۸-۲۱۲
۸۴	دعوت‌نامه هیأت محلی خالمیدان برای شرکت در مراسم سوگ آیت‌الله اصفهانی	۱۱۶۰۰۱-۲ ۶۵-۲۳	۲۱۲
۸۵	گزارش درگیری دو دستفروگر نودهای و دمکرات در یزد به هنگام برگزاری مراسم سوگ آیت‌الله اصفهانی	۱۱۶۰۰۱-۲ ۶۵-۲۰	۲۱۳
۹۵-۸۶	گزارش شهرداری و اقدامات آن برای وصول هزینه مراسم ختم آیت‌الله اصفهانی و اطعام بینوایان در آن مراسم	۱۱۶۰۰۱-۲ ۶۵-۴۲	۲۱۴-۲۲۱

اسناد آیت‌الله حاج آقا حسین قمی

۱	اعلام تقاضاهای آیت‌الله قمی از شاه	۲۳۵-۲۳۷
۳-۲	دستور وزیر دربار به حاکم خراسان برای تنفیذ تغییرات اعمال شده از سوی آیت‌الله قمی در مورد تولیت موقوفات مدرسه نواب	۲۳۷-۲۳۸
۴	ابلاغیه رییس‌الوزرا و منع از امر به معروف	۲۳۹-۲۴۰
۶-۵	اعتراض علمای مشهد به ابلاغیه مذکور و پاسخ رییس‌الوزرا	۲۴۰-۲۴۳
۷	پاسخ علما به جواب رییس‌الوزرا	۲۴۴-۲۴۶
۸	گزارش والی کرمان در مورد اقدامات علمای خراسان برای ایجاد اتحاد بین علما	۲۴۶-۲۴۸

۹. رونوشت نامه علمای خراسان مبنی بر درخواست اتحاد علما برای مقابله با امور خلاف شرع
۲۴۹-۲۵۰
- ۱۰-۱۳. گزارش رییس اداره پست و والی خراسان از مذاکرات خود با علما و پاسخ وزیر دربار
۲۵۱-۲۵۶
- ۱۴-۱۵. اعلام قصد آیت الله قمی برای سفر به عتبات و درخواست صدور تذکره عبور
۲۵۶-۲۵۷
۱۶. استجازه دولت از شاه برای دادن تذکره عبور به آیت الله قمی
۲۵۸
- ۱۷-۲۸. پیگیری آیت الله قمی برای دریافت تذکره عبور
۲۵۹
- ۱۹-۲۰. اعلام صدور اجازه شاه برای دادن تذکره عبور به آیت الله قمی و ارسال سواد این دستور به نظمیه
۲۶۰-۲۶۱ $\frac{۱۱۶۰۰۱-۵}{۱۷}$
- ۲۱-۲۲. درخواست حاج آقا حسن قمی برای صدور اجازه فروش دینار عراقی به خانواده آیت الله قمی و دستور ریاست وزرا
۲۶۱-۲۶۲ $\frac{۱۱۶۰۰۱-۵}{۱۸}$
۲۳. اعلام علت صدور روایید ورود به ایران برای آیت الله قمی و همراهان ایشان
۲۶۲-۲۶۳
۲۴. گزارش سفارت ایران در بغداد در مورد علت سفر آیت الله قمی به ایران
۲۶۳-۲۶۴
۲۵. درخواست کاردار ایران در بغداد برای تعیین و ارسال اسامی کسانی که ورود آنها به ایران ممنوع است
۲۶۴-۲۶۵ $\frac{۱۱۶۰۰۱-۵}{۸۸}$
- ۲۶-۲۸. اعلام نحوه استقبال مردم شهر ری از آیت الله قمی و اقدامات ایشان در آن ناحیه
۲۶۵-۲۶۷ ۲۹۰۰۰۷۲۲۴
- ۲۹-۳۰. گزارش استاندار خراسان از ورود آیت الله قمی به مشهد و مذاکرات خود با ایشان
۲۶۸-۲۶۹
- ۳۱-۳۷. درخواستهای آیت الله قمی از دولت و حمایت علمای زنجان از ایشان و پاسخ دولت
۲۶۹-۲۷۴
- ۳۸-۵۳. درخواستهای مردم شهرهای مختلف از دولت برای اجرای خواستههای آیت الله قمی
۲۷۴-۲۸۳
- ۵۴-۵۵. گزارش بیانات شکوه الواعظین بر ضد کشف حجاب
۲۸۴

۲۸۵-۲۹۰	۶۰-۵۶	اعتراض عده‌ای از زنان به تعرض یکی از روحانیون به زنان بی‌حجاب و اقدامات دولت
۲۹۰-۲۹۳	۶۵-۶۱	اعلام عزیمت آیت‌الله قمی به سوی عراق از سوی آیت‌الله صدر و درخواست تأمین وسایل آسایش ایشان در طول راه و پاسخ نخست‌وزیر
۲۹۳-۲۹۵	۶۷-۶۶	گزارش سفارت ایران در عراق در مورد انعکاس خواسته‌های آیت‌الله قمی از دولت در بین روحانیون
۲۹۶	مقتضی عتبات	
	۶۸	اعلام حمایت عده‌ای از مردم تبریز از خواسته‌های آیت‌الله قمی
۲۹۶-۳۰۰	۷۰-۶۹	گزارش رحلت و تشییع پیکر آیت‌الله قمی
۳۰۱-۳۰۴	۷۷-۷۱	تلگرافات تسلیت به مناسبت فوت آیت‌الله قمی
۳۰۴-۳۰۵	۷۸	اعلام برگزاری مجلس سوگواری به مناسبت درگذشت آیت‌الله قمی
۳۰۵-۳۰۶	۷۹	اعلامیه هیأت علمیه نشریات دینی به مناسبت رحلت آیت‌الله قمی
۳۰۶-۳۰۷	۸۰	تلگراف تسلیت مرگ آیت‌الله قمی به شاه
۳۰۷-۳۰۸	۸۲-۸۱	گزارش شرکت مقامات دولتی عراق در مجالس ترحیم آیت‌الله قمی
۳۰۸-۳۱۰	۸۳-۸۵	اعلام درخواست فرزند آیت‌الله قمی برای صدور گذرنامه
۳۱۰	۸۶	دستور صدور گذرنامه برای آقای مهدی خزانه
۳۱۰-۳۱۱	۸۷	توصیه نامه شیخ‌الملک اورنگ برای آقا سید نصرالله جزایری
۳۱۱-۳۱۲	۸۸	دعوت فرزندان آیت‌الله قمی و آیت‌الله بهبهانی از مردم برای شرکت در مراسم بزرگداشت سالروز رحلت آیت‌الله قمی
		اسناد آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی
۳۳۷	۲۹۳/۳۱/۴۶/۳	ارجاع رسیدگی به شکایت رعایای محلات از سوی آیت‌الله حائری به حاکم قم

۲. سواد شکایت‌نامه رعایای محلات از تعدیات شاهپورخان تبعه انگلیس
۲۹۳/۳۱/۴۶/۲ ۳۳۸-۳۳۹
۳. توضیحات حاکم محلات در مورد دسته‌بندی شاهپورخان و بی‌اعتنایی وزارت داخله
۲۹۳/۳۱/۴۶/۴ ۳۳۹-۳۴۰
۴. اعلام نتیجه بررسی اسناد پیشین در سال ۱۳۵۱ خ.
۲۹۰۰۰۲۸۵۷ ۳۴۰-۳۴۱
۵. شکایت خدام آستان قدس از قصد مشغولان آستانه برای اخراج آنان
۳۴۱-۳۴۳
۶. توصیه‌نامه آیت‌الله حائری برای خدام
۳۴۳
۷. سپاسگزاری آیت‌الله حائری از ابراز همدردی ریاست وزرا در مرگ حاج آقا نورالله
۱۱۶۰۰۱-۱۷
۳۰۰ ۳۴۴
۸. توصیه‌نامه آیت‌الله حائری برای آقا سید ابوالحسن قوچانی
۳۴۴-۳۴۵
۹. توصیه‌نامه آیت‌الله حائری برای آقا شیخ محمد تقی طهرانی و بیان ضرورت اظهار تعزیت رییس‌الوزرا به آیت‌الله شیخ محمد رضا اصفهانی
۱۱۶۰۰۱-۱۷
۳۰۰ ۳۴۵-۳۴۶
۱۰. گزارش ویس قونسل ایران در نجف از حمایت علما از طرح متحدالشکل شدن الهسه و تأثیر مثبت دیدار شاه با آیت‌الله حائری
۱۱۶۰۰۱-۱۷
۱۹۷ ۳۴۸-۳۴۶
۱۱. شکایت حاکم اراک از کثرت اجازات صادره از سوی آیت‌الله حائری برای متصدیان امور شرعی در دهات
۳۴۸-۳۴۹
۱۲. درخواست وزیر دربار از آیت‌الله حائری برای دقت در صدور جواز تصدی متاصب شرعی
۳۴۹-۳۵۰
۱۳. توضیح آیت‌الله حائری در مورد اجازات صادره در پاسخ‌نامه وزیر دربار
۳۵۰-۳۵۱
۱۴. سوادنامه آیت‌الله حائری به صید محمد جدید الاسلام
۱۱۶۰۰۱-۱۷
۲۰۱ ۳۵۲
۱۵. عرض تسلیم رییس‌الوزرا به آیت‌الله حائری به سبب مرگ «متعلقه» ایشان
۳۵۳
۱۶. سپاسگزاری آیت‌الله حائری از ابراز تسلیم رییس‌الوزرا
۱۱۶۰۰۱-۱۷
۲۱۳ ۳۵۳

۳۵۴	۱۸-۱۷.	ضرورت اعزام پزشک برای معالجه آیت الله حائری
۳۵۵	۱۲-۱۰۲۰۰۶	درخواست آیت الله حائری برای بذل توجه شاه به
		هجوم یهود به فلسطین
۳۵۵-۳۵۶	$\frac{۱۱۶۰۰۱-۱۷}{۲۱۲}$	۲۰-۲۱. تصویب نامه هیأت وزیران برای پرداخت هزینه
		مسافرت دکتر لقمان الدوله به قم برای معالجه
		آیت الله حائری
۳۵۶-۳۵۸		۲۲-۲۳. ابراز نگرانی آیت الله حائری از اقدامات خلاف شرع
		در تلگراف به شاه و پاسخ رئیس الوزرا
۳۵۸-۳۵۹	$\frac{۱۱۶۰۰۱-۱۷}{۲۰۴}$	۲۴-۲۶. گزارش های حاکم قم از وضع مزاجی آیت الله حائری
۳۶۰	$\frac{۱۱۶۰۰۱-۱۷}{۲۰۶}$	۲۷. اعلام مفاد گزارش حاکم قم مبنی بر شدت گرفتن
		بیماری آیت الله حائری
۳۶۰	$\frac{۱۱۶۰۰۱-۱۷}{۲۰۶}$	۲۸. دستور العمل ریاست وزرا به حاکم قم در پی
		دریافت خبر مرگ آیت الله حائری
۳۶۱-۳۶۳		۲۹-۳۲. متحدالمآل دولتی به ولایات برای اعلام خبر مرگ
		آیت الله حائری در قم و بیان لزوم برگزاری یک
		مجلس ترحیم
۳۶۳-۳۶۴		۳۳-۳۴. گزارش مراسم تشییع جنازه و برگزاری مجلس
		ترحیم آیت الله حائری در قم
۳۶۴-۳۹۴	$\frac{۱۱۶۰۰۱-۱۷}{۲۰۶}$	۳۵-۹۸. گزارش های تلگرافی و لایات از برگزاری مراسم
		ترحیم آیت الله حائری
۳۹۴-۳۹۷	$\frac{۱۱۶۰۰۱-۱۷}{۲۰۵}$	۹۹-۱۰۱. برگزاری مجلس ترحیم آیت الله حائری در کرمانشاه
		و درخواست پرداخت هزینه آن
۳۹۷-۳۹۹	$\frac{۱۶۰۰۱-۱۷}{۱۹۹}$	۱۰۲-۱۰۴. ارسال گزارش شهربانی قم در مورد وضع حوزه پس
		از مرگ آیت الله حائری و بیان موقع علمی و
		اجتماعی آیات عظام حجت و صدر
		اسناد آیت الله حاج آقا حسین بروجردی
۴۲۶-۴۲۸	$\frac{۱۱۶۰۰۱-۴}{۷۸}$	۱-۴. درخواست از رئیس الوزرا برای تهیه وسایل
		معاودت آیت الله بروجردی از عتبات

بیست مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست

۴۲۸-۴۲۹	$\frac{۱۱۶۰۰۱-۴}{۷۵}$	۵. عدم موافقت با تمدید گذرنامه آیت الله بروجردی
۴۳۱-۴۳۲	$\frac{۱۱۶۰۰۱-۴}{۷۷}$	۷.۶. اعتراض اهالی بروجرد به قصد آیت الله بروجردی برای پذیرش درخواست علمای قم جهت اقامت در آن شهر
۴۳۲-۴۳۳	$\frac{۱۱۶۰۰۱-۴}{۷۷}$	۸. اعلام ورود آیت الله بروجردی به قم
۴۳۳-۴۳۴	$\frac{۱۱۶۰۰۱-۴}{۷۷}$	۱۰.۹. صدور دستور تأمین وسایل آسایش آیت الله بروجردی در مشهد مقدس
۴۳۵-۴۳۶	$\frac{۱۱۶۰۰۱-۴}{۷۱}$	۱۱. پرسش نماینده مجلس از وزارت بهداشت در مورد علت عدم رسیدگی به وضع بیمارستانی که آیت الله بروجردی در بروجرد ساخته‌اند
۴۳۶-۴۳۷	$\frac{۱۱۶۰۰۱-۴}{۷۹}$	۱۲. درخواست آیت الله بروجردی از نخست‌وزیر برای اعزام نماینده خود ایشان
۴۳۵-۴۳۶		۱۳. اعلام درخواست‌های آیت الله بروجردی از دولت توسط احمد اعتبار
۴۳۸-۴۳۹		۱۴. استعلام نخست‌وزیر از وزارت خانه‌های مختلف در مورد درخواست‌های آیت الله بروجردی
۴۴۲-۴۴۳		۱۸-۱۵. پاسخ وزارت خانه‌ها به نخست‌وزیر در مورد درخواست‌های آیت الله بروجردی
۴۴۲	$\frac{۱۱۶۰۰۱-۴}{۷۶}$	۱۹. اعلام درج خبر مسافرت آیت الله بروجردی به عتبات در روزنامه عراقی
۴۴۳	$\frac{۱۱۶۰۰۱-۴}{۷۴}$	۲۰. درخواست زوار عتبات از آیت الله بروجردی برای رسیدگی به وضع آنان
۴۴۳-۴۴۵		۲۱. اعلام درخواست‌های آیت الله بروجردی از شاه به دولت
۴۴۵-۴۵۲		۲۸-۲۲. پاسخ وزارت خانه‌ها در مورد درخواست‌های آیت الله بروجردی و پاسخ نخست‌وزیر به ایشان
۴۵۲-۴۵۴	$\frac{۱۱۶۰۰۱-۴}{۷۳}$	۳۱-۲۹. اعلام درخواست مجدد آیت الله بروجردی از شاه برای حل مسئله سفر حجاج ایرانی و تهیه امکان نماز خواندن مسافرین قطار و پاسخ نخست‌وزیر
۴۵۴-۴۵۵	۲۹۰۰۰۷۲۳۳	۳۲. اعلام دیدار سپهبد امیراحمدی با آیت الله بروجردی
۴۵۵-۴۵۶	۳۱۰۰۰۰۶۰۲	۳۴-۳۳. درخواست آیت الله خمینی از آیت الله بهبهانی برای اقدام در جهت تأمین ارز مورد نیاز آیت الله بروجردی و اقدام آیت الله بهبهانی

- ۳۶-۳۵. اعلامیه آیت‌الله بروجردی در مورد ستم یهودیان
بر مسلمانین در فلسطین
۴۵۶-۴۵۹ ۲۹۳/۴۵/۱۷/۲
۳۷. درخواست آیت‌الله بروجردی برای اقدام به تعویض
رییس شهربانی بروجرد و تخلیه بقعه میرزا رفیعا
۴۵۹-۴۶۰ ۲۹۰۰۰۷۴۰۴
- ۳۹-۳۸. گزارش رییس شهربانی کرمانشاه از تأثیر شایعه ناراحتی
آیت‌الله بروجردی از اقدامات دولت هژیر بر ضد مردم
۴۶۰-۴۶۲ ۲۹۰۰۰۷۸۶۳
۴۰. گزارش شهربانی قم از سخنان آیت‌الله بروجردی بر
ضد برخی از طلاب
۴۶۲-۴۶۳ ۲۹۰۰۰۷۸۶۳
- ۴۱-۴۲. گزارش شهربانی قم از درگیری بین طلاب حوزه
علمیه و پیامدهای آن
۴۶۳-۴۶۷ ۲۹۰۰۰۷۸۶۳
۴۳. گزارش سفر دکتر بقایی به قم، سخنرانی وی و قصد
او برای دیدار با آیت‌الله بروجردی
۴۶۷ ۲۹۰۰۰۲۲۴۸
- ۴۴-۴۶. استعلام اهالی یزد از آیت‌الله بروجردی در مورد
اعزام نماینده به یزد و پیامدهای آن
۴۶۸-۴۶۹ ۲۹۳/۴۷/۱۷۵/۳
- ۴۷-۴۹. گزارش‌های شهربانی در مورد نظر فدائیان اسلام
نسبت به آیت‌الله بروجردی
۴۷۰-۴۷۲ ۲۹۳/۴۷/۱۴۷/۵۷
۲۹۰۰۰۸۱۴۲
- ۵۰-۵۲. گزارش از رفسنجان و اصفهان در مورد اقدامات
مدعیان نمایندگی آیت‌الله بروجردی بر ضد بهائیان
۴۷۲-۴۷۵ ۲۹۳/۳۲/۱۶/۱
۵۳. اظهار نظر آیت‌الله بروجردی در مورد لایحه
انتخابات
۴۷۵-۴۷۸ ۲۹۰۰۰۷۲۳۶
- ۵۴-۵۶. اعتراض مردم ملایر و بروجرد به چاپ اعلامیه
توهین‌آمیز نسبت به آیت‌الله بروجردی در روزنامه
بانگ مردم
۴۷۹-۴۸۲ ۲۹۰۰۰۷۲۳۶
۵۷. پاسخ آیت‌الله بروجردی به نامه سپهبد زاهدی
۴۸۲ ۲۹۳/۶/۲۰۳/۱۰۸
۵۸. اعلام خلاصه مندرجات جراید در روز دهم مهر ۱۳۳۲
۴۸۳ ۲۹۳/۳۷/۲۶/۴۸
- ۵۹-۶۰. درخواست اهالی بروجرد از سپهبد زاهدی برای
تأمین آزادی انتخابات
۴۸۳-۴۸۵ ۲۹۳/۳۷/۲۶/۴۸
۶۱. گزارش شهربانی قم از تلاش‌های داوطلبان
نماینده مجلس ۱۸ در قم
۴۸۶-۴۸۷ ۲۹۳/۲۰/۸۳/۱
۶۲. گزارش عدم موفقیت اردشیر زاهدی به ملاقات با
آیت‌الله بروجردی
۴۸۷-۴۸۸ ۲۹۳/۲۰/۸۳/۱

بیست و دو مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست

- ۶۵-۶۳. تلگرافات اهالی بروجرد و ابراز تنفر نسبت به یکی از داوطلبان نمایندگی مجلس ۱۸
 ۲۹۳/۳۷/۲۶/۳۳ ۴۸۸-۴۹۱
- ۶۹-۶۶. اعلام حمایت اهالی قم از رضا فقیه زاده برای نمایندگی مجلس ۱۸ و اقدامات خود او
 ۲۹۳/۳۷/۳۳/۶ ۴۹۱-۴۹۶
- ۷۱-۷۰. استفتا از آیت الله بروجردی برای صرف سهم امام در بنای مسجد و پاسخ ایشان
 ۴۸۹-۴۹۹
۷۲. نامه آیت الله بروجردی به نخست وزیر و درخواست جلوگیری از فعالیت بهائیان
 ۲۹۰۰/۴۵۶۳ ۴۹۹-۵۰۰
- ۷۳-۷۲. اعلام شکایت اهالی لار از عبدالرحمن قرامرزی به آیت الله بروجردی
 ۵۰۰-۵۰۲
- ۷۵-۷۶. پاسخ آیت الله بروجردی به تلگراف دکتر اقبال و درخواست نظارت دولت بر مندرجات جراید و پاسخ دکتر اقبال
 ۵۰۲
۷۷. اعلام درخواست آیت الله بروجردی برای ابقای فهمی در فرمانداری بروجرد
 ۲۹۳/۳۹/۶۸/۱ ۵۰۳-۵۰۵
- ۷۸-۷۹. استفتای مردم بروجرد از آیت الله بروجردی در مورد صلاحیت کاندیدای حزب مردم برای نمایندگی مجلس

یادداشت دبیر مجموعه

با پیش آمد انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و تحولات برآمده از آن، رابطه دین و دولت که تا پیش از آن بیشتر به نوعی موضوع تاریخی شباهت داشت که معمولاً در چارچوب مباحث مربوط به گذر از یک جامعه سنتی به یک جامعه مدرن و امروزی لزوم طرح و بحث می یافت، به ناگاه اهمیتی مهم و تعیین کننده پیدا کرد. اگرچه از آن مرحله به بعد بررسی چگونگی شکل گیری چنین پدیده‌ای به یکی از مهمترین مضامین پژوهشهای تحولات تاریخی ایران معاصر تبدیل شده است ولی تا فراهم آمدن تصویر در خور توجهی از جوانب مختلف این موضوع راه طولانی و دشواری در پیش است.

در حالی که در باب مراحل از تحولات این پدیده، از جمله از چگونگی شکل گیری آن از نهضت تنباکو به بعد و دوره اعتلایش در انقلاب مشروطیت و همچنین احیاء مجدد نقش و اهمیت آن از نهضت پانزده خرداد به بعد تحقیقات و بررسی‌های کم و بیش مهمی صورت گرفته است، ولی در مورد دوران میانی آن که با دوره اقتدار نظام جدید پهلوی توأم است، هنوز بررسی‌های جامعی انجام نشده است. از این رو با توجه به دوره زمانی اسنادی که در مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست عرضه شده است، شاید بتوان اهمیت اصلی این مجموعه را در آن دانست که به جوانبی چند از رابطه دین و دولت در این دوره نسبتاً ناشناخته اشاره دارد.

به رغم تمام تلاش‌های مختلف برای تقلیل رابطه دین و دولت در تاریخ

معاصر ایران به یک رابطه ساده و بسیط، این رابطه چنان که از اسناد این مجموعه نیز برمی آید از وجوه مرکب و پیچیده‌ای برخوردار بوده است: مسئولیت سنگین مراجع در مقام پاسدار اصول دینی از یک سو و لزوم انطباق این امر با شرایط عمومی کشور از سوی دیگر، وجه بروز بیرونی این مسئولیت را از نوعی استمرار و پیوستگی برخوردار می سازد که نظیر آن در دیگر نهادهای اجتماعی کمتر دیده می شود. در این دوره اگرچه از لحاظ آزادی بیان با دو مقطع کاملاً متفاوت پیش و بعد از شهریور ۱۳۲۰ روبرو هستیم ولی از پیدایش یک تفاوت ماهوی در عملکرد مراجع نمی توان سخن گفت.

در حالیکه این دگرگونی عرصه تحولات سیاسی کشور را به نحوی اساسی دگرگون ساخت - حتی از لحاظ فراهم آوردن زمینه برای فعالیت مجموعه‌ای از گروه‌های مذهبی با گرایش‌های عمده‌ای روی نمی دهد. به عبارت دیگر با آن که در تمامی این ادوار دولت در همه حال طرف طرح خواسته‌های گوناگون است ولی در عین حال بر آنچه که می توان از آن به عنوان موازنه‌ای بین لزوم حفظ استقلال مراجع از یک سو و ضرورت میدان دادن به نگرانی‌های عمومی از سوی دیگر توصیف کرد خدشه‌ای وارد نمی آید و استمرار و پیوستگی موصوف حفظ می شود.

دیباچه

در نخستین سال‌های حکومت قاجاران، در پی شکست تفکر اخباری، جایگاه مجتهدین به عنوان مراجع تقلید عامه شیعیان تثبیت شد اما به سبب فقدان ابزارهای ارتباطی؛ نبود، خرابی یا ناامنی راه‌ها، حوزه نفوذ هر یک از مجتهدین به شهر و ناحیه محل سکونت آنان محدود گردید. از این رو در این دوران اگر چه در ولایات، خاندان‌های قدرتمند روحانی شکل گرفتند^۱ اما روحانیت شیعه از مرکزیتی که قادر بر تأثیرگذاری بر روند حوادث، در گستره کشور باشد، بی بهره بود.

تأسیس چاپخانه در ایران و چاپ و نشر رساله‌های عملیه، افزون بر آنکه نیاز مردم به آگاهی از تکالیف شرعی خود را برآورده ساخت، به روحانیت شیعه نیز امکان داد که نخستین گام را در راستای ایجاد تمرکز در اقتدار روحانی بردارد.^۲ با

۱. برای نمونه می‌توان از خاندان مسجد شاهی در اصفهان، برغانی در قزوین و طباطبایی در بروجرد و تبریز یاد کرد.

۲. اعتماد السلطنه از اینکه «جمیع شیعه امامیه روی زمین ... رساله نجات العباد را مهمی در بغل می‌داشتند» سخن گفته است. نجات العباد رساله عملیه شیخ محمدحسن اصفهانی معروف به صاحب جواهر (در گذشته به سال ۱۲۶۸ ق.) بود و می‌دانیم که ارشادالامه رساله عملیه حاج ملاعلی کنی به سال ۱۲۷۰ ق. در تهران به چاپ رسیده است. باید توجه داشت که در این تاریخ شیخ اعظم مرتضی انصاری زنده بود و این که رساله عملیه کنی یازده سال پیش از مرگ شیخ انصاری، در تهران به چاپ رسیده نکته مهمی است که شیخ آقا بزرگ تهرانی، به حق، بر آن تأکید می‌کند. برای سخن اعتماد السلطنه بنگرید به: محمدحسن خان اعتماد السلطنه، المآثر و الآثار، به کوشش ایرج افشار (تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۶۳)، ص ص ۱۸۴ - ۱۸۵، و برای چاپ رساله عملیه کنی بنگرید به: محمدمحسن آقابزرگ تهرانی، مصفی المقال فی مصنفی علم الرجال، به کوشش احمد منزوی (تهران: [۱۳۳۷ خ.]، ص ۳۳۲.

اینهمه، آنچه مشکل ارتباط مجتهد و مقلد را یکسره حل کرد و شکل‌گیری مرکزیت روحانی را ممکن ساخت تأسیس پست و از آن مهتر، ایجاد تلگرافخانه در ایران بود. درست است که ایجاد تلگرافخانه به تقویت اقتدار دولت و گسترش نفوذ آن به دورترین نواحی کشور نیز منجر شد^۱ اما افزون بر آن با تسهیل ارتباط میان مردم نواحی مختلف، به تکوین نهضت‌های سراسری و ملی در ایران یاری رساند. تأثیر این تحول ابزارها و راه‌های ارتباطی در تغییر اوضاع سیاسی - اجتماعی ایران، به ویژه در خیزش مردم برضد امتیازنامه رژی، نمودی بارز یافت.

از منظر موضوع مورد بحث ما، پیروی مردم سراسر کشور از حکم تلگرافی تحریم تنباکو، به میرزا محمدحسن شیرازی چهره‌ای شاخص بخشید. وی به عنوان پیشوای رهبران روحانی و کسی که حتی مجتهدین ولایات - به جز معدودی - حکم او را رأی متبع دانستند، در چشم و دل مردم جایگاهی والاتر از هر یک از مجتهدین یافت^۲ و بیت میرزا در سامرا، مرکز تجمع اقتدار رهبران روحانی شیعه گردید.

۱. اعتمادالسلطنه از این کارکرده ایجاد و گسترش خطوط تلگراف چنین یاد کرده است: «عظماء حکماء عصر می‌دانند که در امن و آسایش عباد و سکون و آرامش بلاد و نتایج و فواید دیگر تا چه اندازه اثر نموده و ثمر بخشیده است.» بنگرید به: همو، همان، ص ۱۲۹.
۲. توصیفی بس جاندار از ابراز علاقه مردم به میرزای شیرازی، در نوشته شیخ عباسعلی کیوان قزوینی هست که به نقل بیرزد. او به سال ۱۳۱۲ ق. که سال آخر عمر میرزا بود با وی دیدار کرد و بعدها چنین نوشت: «در سنه ۱۳۱۲ به سامره رفتم، دیدار آخر میرزای شیرازی را دریافتم و ریاستی و احترامی فوق باور برای او دیدم که دو هفته دو روز بار عام می‌داد و در ایوانی روی تخت بزرگی می‌نشست و دستش را روی دیواره تخت بالای یکر مخده کوچکی می‌گذازد برای بوسیدن، و دونفر عرب قوی‌پیکر در دو طرف دست او ایستاده بند دست او را گرفته بودند تا در بوسیدن، زیاد نبوسند و فشار زیاد ندهند و به طرف خود نکشند و به سینه خود نمایند (چون که غالباً این کارها را می‌کردند، برای تبرک) و زوار ازدحام نموده، حیاط را پرکرده، فشار بر یکدیگر می‌دادند و مسابقت می‌نمودند با گریه و شیون و سلام و صلوات. از در که وارد می‌شدند گریان بودند و بر سینه و صورت خود می‌زدند و بعضی زیارت‌نامه می‌خواندند، مانند حرم ائمه. و کسی به کسی نگاه و اعتنا نمی‌کرد. وزرای بزرگ و امرا و تجار محترم، میان توده با کمال ذلت ایستاده گریه می‌کردند. میرزا سر به زیر انداخته اعتنا و احوال‌پرسی از هیچک نمی‌نمود. شاید چهار ساعت دستش متصل بوسیده می‌شد و به

این تمرکز اقتدار لطمه‌ای به محبوبیت مردمی مجتهدین محلی وارد نیامورد لیکن قدرت تأثیرگذاری آنان بر حوادث، به تدریج تحت الشعاع وجود مرکز اقتدار روحانی قرار گرفت که به دلیل استقرار در خارج از حوزه جغرافیای سیاسی و دوری از دسترس دولتمردان ایران، از آزادی عمل و ارتباطات گسترده‌تری برخوردار بود.

پس از مرگ میرزای شیرازی نیز همین دو ویژگی یعنی برخورداری از آزادی عمل و ارتباطات گسترده، به علمای مشروطه‌خواه مقیم نجف امکان داد که پس از وقوع استبداد صغیر، در پیروزی مردم بر استبداد محمدعلیشاهی، نقشی اساسی داشته باشند.

پس از پیروزی مشروطه‌خواهان هم اگر چه قدرت علمای مشروطه‌خواه، در پی مرگ آخوند ملا محمدکاظم خراسانی (در گذشته به سال ۱۳۲۹ ق.)، کاهش یافت لیکن توان تأثیرگذاری مرجعیت دینی مقیم نجف بر روند تحولات سیاسی - اجتماعی ایران از دست نرفت و تنها شرایط جهانی - حمله ایتالیا به

چشم‌ها و پیشانی مالیده می‌شد و او نگاه نمی‌کرد... بنگرید به: شیخ‌کیوان قزوینی، داذگشت، به اهتمام محمود عباسی (تهران، ۱۳۷۶)، ص ص ۱۴۴ - ۱۴۶. میزان محبت و علاقه مردم به میرزای شیرازی شگفت‌انگیز است. می‌دانیم که میرزا در سامرا درگذشت و در نجف به خاک سپرده شد اما به نوشته محمدباقر گوهرخای، چون در رمضان سال ۱۳۱۲ ق. خبر مرگ میرزا به تهران رسید، شوری غریب برپا شد، مردم این شهر مراسم تشییع جنازه خیالی میرزا را برپا داشتند و در این مراسم، انبوه مردم، «پیر و جوان، مرد و زن، بچه‌های بالغ و نابالغ» همه شرکت نمودند. «عماری ماتم با پارچه سیاهی پوشانده شده بود و بر روی آن علامه سزی نهاده بودند... مردان با ایمانی که عمارتی را بردوش داشتند آهسته و آرام راه می‌سپردند و چون فرزندان که جنازه پدر خود را به طرف وادی خاموشان می‌برند، اشک می‌ریختند... همه با صدای حزن‌انگیزی می‌گریستند. زنان گیسو می‌کنند و اشک حسرت بر خاک تیره فرو می‌ریختند. زنی را دیدم که از فرط تأثر روی سکوی چهارموق بزرگ گیسوی بلند و سیاه خود را کند و به آسمان پرتاب کرد. من از تماشای این مناظر، چنان متأثر شده بودم و چنان می‌گریستم که بر روی دست پدر، بی‌حال و بیهوش شدم». بنگرید به: محمدباقر گوهرخای (امجدالواعظین تهرانی)، گوشه‌ای از رویدادهای انقلاب مشروطیت ایران (تهران: مرکز نشر سپهر، [۱۳۵۵ خ.]، ص ص ۲۸ - ۲۹.

لیبی^۱ و وقوع نخستین جنگ جهانی - و ویژگیهای اعتقادی و شخصی سید محمد کاظم یزدی (در گذشته به سال ۱۳۳۷ ق.) - مرجع اعلای وقت - که دخالت گسترده در سیاست را خوش نمی داشت، در اراده به کارگیری آن توان، خلل وارد ساخت.

بعد از پایان نخستین جنگ جهانی و در پی مرگ آیت الله یزدی، تلاش دولت انگلستان برای ایجاد حکومتی وابسته به خود در عراق، موجب شد که توجه علمای مقیم نجف معطوف اوضاع داخلی عراق گردد و آنان از توجه بسنده به تحولات سیاسی ایران بازمانند. اما پس از آنکه دولت نوپای عراق، علمای شیعه را به ایران تبعید کرد، آنان که به قم مهاجرت نمودند توانستند در صحنه سیاسی ایران حضوری فعال تر داشته باشند و دوتن از همین مهاجرین یعنی آیات عظام میرزا محمد حسین نائینی و سید ابوالحسن اصفهانی به همراه آیت الله شیخ عبدالکریم حائری، با صدور اعلامیه ای، هم نتایج شکست جنبش جمهوری خواهی را برای رضاخان سردار سپه قابل تحمل ساختند و هم از بالا گرفتن اختلاف بین ملت و دولت جلوگیری نمودند.

چندی بعد، علمای مهاجر به عراق بازگشتند و سردار سپه که از نفوذ مردمی آنان آگاه بود، پیش از جنگ انداختن بر تخت سلطنت، در نجف با آنان دیدار کرد و توانست مانع از ابراز مخالفت آنان با تلاش خود در براندازی سلطنت قاجاران گردد. عدم مخالفت مرجعیت روحانی مقیم نجف با تغییر سلطنت، کوشش های کسانی چون سید حسن مدرس را برای جلوگیری از این امر ناکام گذاشت. پس از تاجگذاری، رهبران روحانی مقیم نجف، با ارسال نامه و تلگراف، استقرار رضاشاه بر تخت سلطنت را بدو شادباش گفتند و چون روحانیون ساکن ایران به مخالفت با اقدامات رضاشاه در زمینه ایجاد «نظام وظیفه» پرداختند، علمای مقیم نجف از موضعگیری صریح برضد آن نظام، خودداری نمودند و در نتیجه علمای ایران نه تنها به اهداف خود دست نیافتند که در معرض خشم و انتقامجویی رضاشاه نیز قرار گرفتند: دو ماه پس از پایان نهضت، رضاشاه با هتک

۱. در مورد بازتاب حمله ایتالیا به لیبی در حوزه نجف بنگرید به: عبدالهادی حائری، همگانی ایران و لیبی برضد امپریالیسم، دو سند تاریخی؛ مشهد، انتشارات آموی، ۱۳۶۰ خ.

حرمت حرم حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در قم، به ضرب و جرح میرزا محمد تقی بافقی پیشکار آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری پرداخت و مخبر السلطنه هدایت به فکر سامان بخشی به روحانیت افتاد. چند ماه بعد، مدرس دستگیر و از تهران تبعید شد و یکی دو سال پس از آن، اجرای قانون «اتحاد شکل البسه»، برای روحانیون مقیم ایران دشواری‌های بسیار پدید آورد.

همزمان با این اقدامات، رضاشاه با اتخاذ سیاست‌های ارزی سختگیرانه، سانسور مکاتیب پستی و تلگرافات و ایجاد محدودیت برای سفر زائرین به عتبات، مراجع دینی مقیم عراق را با تنگناهای مالی و ناتوانی در ابلاغ مواضع خود به مقلدین داخل کشور مواجه ساخت و بدینگونه توانست با مهار نفوذ روحانیون، زمینه را برای اجرای دیگر برنامه‌های به ظاهر نوگرایانه خود آماده سازد و برای نمونه، در فضای رعب‌آلود ناشی از کشتار مردم در مسجد گوهرشاد مشهد، به مبارزه با چادر زبان بپردازد.

اما رضاشاه در برخورد با روحانیت، تنها به قهر متوسل نمی‌شد. وی با سامان دادن نظام تبلیغاتی کارآمد، توانست از اقبال مردم به روحانیت بکاهد و با تأسیس «مؤسسه وعظ و خطابه» کوشش کرد که با آموزش دانش‌های نوین به برگزیدگان روحانی، همدلی آنان با اقدامات خویش را جلب نماید. در چنین شرایطی مرگ آیت الله حائری، موجب پیدایش خلأ قدرت مرجعیت در حوزه علمیه قم گردید و روحانیت ایران کوچکترین امکان مقاومت در برابر فشارهای دولت را از دست داد.

در بامداد سوم شهریور ۱۳۲۰، سربازان شوروی و انگلیس از شمال و جنوب به ایران یورش آورده کشور را اشغال نمودند. رضاشاه مجبور به استعفا از سلطنت شد و به سبب حضور سربازان بیگانه، دولت به میزان زیادی قدرت خویش را از دست داد.

فروپاشی سریع ارتش و شالوده قدرت رضاشاهی، بی‌اعتباری تبلیغات حکومت را آشکار ساخت و افشاگری مطبوعات آزاد شده بدین بی‌اعتباری دامن زد. در این شرایط، تلاش‌های علمای روشن‌بین و سایر مسلمانان و اقدام آنان به تأسیس انجمن تبلیغات اسلامی و انجمن‌های اسلامی، به همراه نیاز رژیم

محمدرضا شاه به تقویت بنیه مذهبی جامعه برای مقابله با کمونیسم و فعالیت‌های حزب توده، موجب بازسازی توانایی روحانیت شد. مهاجرت آیت‌الله بروجردی به قم و تصدی سرپرستی حوزه علمیه، موجب اعتلای حوزه و پرشدن خلأ قدرت معنوی مرجعیت گردید و چون آیت‌الله اصفهانی - مرجع تقلید وقت - درگذشت، مردم ایران وفاداری، اعتماد و علاقه خود را به مرجعیت با شرکت گسترده در مراسم سوگواری رحلت وی نشان دادند.

اقتدار روحانیت شیعه در دوران زعامت آیت‌الله بروجردی به اوج خود رسید. دربار شاهنشاهی اگر چه همه خواسته‌های ایشان را برآورده نمی ساخت - مثلاً به خواسته ایشان برای دور کردن بهائیان از مراکز قدرت بی اعتنایی شد - اما جرأت مخالفت آشکار و مقابله صریح با وی را نداشت. او نیز به رغم ناامیدی از اصلاح دیار و دولت، آشکارا به موضع‌گیری برضد سلطنت و دولت برخاست و تأکید کرد که بیم دارد اوج‌گیری مخالفت‌های داخلی، شاه را یکسره به بیگانگان متکی سازد. (← زندگینامه حضرت آیت‌الله بروجردی). آیت‌الله بروجردی، اعتماد به نفس روحانیت شیعه را تقویت کرد و میراث وی، به جانشینانش امکان داد که هفده سال پس از مرگ وی، حرکت توفنده‌ای را رهبری کنند که طومار نظام سلطنتی را در ایران درموردید.

همانگونه که در این نگاه گذرا بر هفتاد سال از تاریخ مرجعیت شیعه دیدیم، در این مدت، جایگاه مرجعیت اعلا از عتبات عالیات به قم منتقل شد. در این میان تبیین چند نکته ضروری است:

نخست اینکه ما در بررسی خویش میرزای شیرازی را سرسلسله کسانی دانستیم که اقتدار روحانی در بیت آنان تمرکز یافت. این سخن به معنی نفی جایگاه والای صاحب جواهر و شیخ‌انصاری در ذهن و دل ایرانیان شیعه مذهب نیست. در واقع مرجعیت تقلید شیعیان چند دهه پیش از دوران زعامت میرزای شیرازی، در علمای مقیم نجف تعین یافت. اما صاحب جواهر در نخستین سال‌های سلطنت ناصرالدین شاه درگذشت (۱۲۶۸ ق.) و شیخ اعظم نیز چندان از دخالت در سیاست پرهیز می‌کرد که اقتدار وی در صحنه سیاست ایران نمودی نداشت، همچنانکه این مطلب در مورد میرزای شیرازی تا پیش از رهبری

پیروزمندانۀ جنبش برضد امتیازنامه رژی صادق است؛ اما پس از جنبش تحریم تنباکو، عتبات عالیات به عنوان مرکز اقتدار روحانی در تاریخ مرجعیت شیعه، به صحنۀ تاریخ و سیاست گام نهاد. میرزای شیرازی خود نیز بدین حقیقت واقف بود و گفته شده که چون عده‌ای پیروزی نهضت را به وی تبریک گفتند، میرزا گریست و علت را چنین بیان کرد که «از این پس، دشمنان به فکر مبارزه با روحانیت می‌افتند، زیرا کانون خطر را شناختند».^۱

دوم آنکه شکل‌گیری مرکز مقتدر روحانی در خارج از مرزهای ایران، افزون بر جذبۀ علمی نجف و شخصیت میرزا، متأثر از این واقعیت بود که روحانیون ایران در نظام استبدادی، فاقد اختیار و آزادی عمل بسنده برای فعالیت‌های سیاسی بودند؛ در بحبوحۀ اعتراض مردم به امتیازنامه رژی، حکومت ناصرالدین شاه در صدد تبعید میرزای آشتیانی رهبر مذهبی مقیم تهران برآمد و تنها در پی شورش گسترده مردم تهران، مجبور شد از این کار صرف‌نظر کند. پیشتر نیز این حکومت اقدام به تبعید ملاآقا دربندی کرده بود^۲ و چون ملافیض‌الله ترک، بر منبر از حکومت بدگفت، سرانجام وی را چنان نامعلوم و مبهم ساختند که مایه عبرت سایر منبریان گردید.^۳

پس از صدور فرمان مشروطیت نیز نه تنها وضع به همین منوال بود که روحانیون حتی امنیت جانی خود را از دست دادند؛ در پی بمباران مجلس، قزاقان و سربازان تحت امر لیاخوف، سیدمحمد طباطبایی و سیدعبدالله بهبهانی رهبران روحانی مشروطه‌خواه تهران را دستگیر کرده مورد ضرب و جرح و شکنجه قرار دادند؛ پس از فتح تهران، مشروطه‌خواهان شیخ‌فضل‌الله نوری را اعدام کردند؛ یک سال بعد، سیدعبدالله بهبهانی، ترور شد و چند سال پس از آن کمیته معجزات، سیدمحسن داماد بهبهانی را به قتل رساند.

۱. این سخن آیت‌الله سیدرضی شیرازی نواده میرزاست. بنگرید به: حوزه، یادواره صدمین سال درگذشت میرزای بزرگ، شماره‌های ۵۰-۵۱ (خرداد- شهریور ۱۳۷۱)، ص ۴۴.

۲. بنگرید به: حامدالگار، دین و دولت در ایران: نقش علما در دوره قاجار، ترجمه دکتر ابوالقاسم سری (تهران: انتشارات توس، ۱۳۶۹)، ص ۲۵۵.

۳. در مورد سخنان وی بنگرید به: روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه، به کوشش ایرج افشار (تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۵)، ص ۷۹۸.

رضاشاه نیز پس از استقرار بر تخت سلطنت و تحکیم قدرت، به مبارزه با روحانیون پرداخت و پس از صدور دستور کشتار مردم در مسجد گوهرشاد مشهد، فرمان به قتل سیدحسن مدرس داد و در همان زمان، آیت‌الله آقا‌زاده درگذشت و مرگ وی راهم به دستور رضاشاه دانستند.

بدین ترتیب شگفت‌انگیز نیست که در آغاز، اعتبار مقدسه، که روحانیون در آنجا از امنیت نسبی برخوردار بودند، مرکز اقتدار روحانیت گردید.

نکته سوم اینکه اگر چه مرجعیت مقیم عتبات در اتخاذ مواضع سیاسی از آزادی عمل بیشتری برخوردار بود اما به دلایل گوناگون (نظیر دوری از محل، مواجهه با کنترل مکاتیب و تلگرافات، دریافت اطلاعات نادرست از سوی مأمورین دولتی) به گونه‌ای کامل در جریان اوضاع کشور قرار نمی‌گرفت و نمی‌توانست واکنش مناسب نشان دهد. این مرجعیت، نهضت تحریم تنباکو را به پیروزی رساند لیکن در برابر نخستین وام ایران از بیگانگان، یعنی پانصد هزار لیره‌ای که از بانک شاهنشاهی برای پرداخت غرامت به کمپانی رژی دریافت شد، خاموش ماند؛ امکان کنترل مشروطه‌خواهان و جلوگیری از اعدام شیخ‌فضل‌الله نوری را نیافت؛ تلاش مدرس بر ضد رضاخان را ناکام گذاشت و از یآوری مؤثر به علمای ایران که به بهانه مخالفت با نظام وظیفه، در واقع به سبب صدور بیانیه دولت مخیرالسلطنه مبنی بر ممنوعیت امر به معروف و نهی از منکر به معارضة با دولت برخاسته بودند، باز ماند. توجه به همین ویژگی، یعنی ناتوانی مرجعیت مقیم عتبات در ارائه واکنش مناسب به منبب بی‌خبری، موجب شد که دولتمردان ایران خواهان دوری مقرر مرجعیت از ایران باشند و لذا پس از مرگ آیت‌الله بروجرودی، محمدرضا شاه تلگراف تسلیت مرگ او را خطاب به آیت‌الله حکیم در نجف مخابره کرد و تلاش نمود که مرجعیت را از قم به نجف منتقل کند و نیز برای رفع همین نقیصه بود که آیت‌الله خمینی رهبر روحانی تبعید شده به عراق، در دیدار خود با آیت‌الله حکیم از ایشان خواست که برای آگاهی از اوضاع کشور، به ایران سفر کند.^۱ این مرجعیت، همچنین در زمینه مدیریت

۱. بنگرید به: خاطرات سیدعلی اکبر محتشمی‌پور (تهران: حوزه هنری - دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶)، ص ص ۴۸۶ - ۴۸۷.

مالی حوزه نجف کاستی های بسیار داشت که جای طرح آن در اینجا نیست و در زندگینامه آیت الله نائینی در این مورد اشارتی کرده ایم.

لازم است به تبیین یک نکته بنیادین دیگر نیز بپردازیم تا جایگاه برخی از اسناد گردآمده در این مجموعه که در طی آنها مراجع عظام در مکاتبه با دربار و دولت، شرط ادب خویش بجای آورده اند، روشن تر گردد و آن اینکه مبارزه مراجع روحانی مقیم نجف، با شخص محمدعلی شاه و به سبب ستمگری و دروغگویی او بود که سوگند خود به مصحف شریف را زیر پا نهاد و به مخالفت با مشروطیت ادامه داد. این نکته از آن رو شایان توجه است که در سالیان اخیر، مراجع شیعی به مخالفت با اصل سلطنت پرداختند و نباید پنداشت که همین نگرش، در گذشته نیز بر روابط رهبران روحانی با دربار و دولت ایران حاکم بود. بر بنیاد شواهد موجود، به نظر می رسد که در گذشته، مراجع دینی، عموماً مشروعیت حکومت حکام را مورد پرسش قرار نمی دادند. به بیان دیگر درست است که شیعیان تنها امام معصومین علیهم السلام را شایسته امامت و رهبری جامعه دانسته و می دانند، اما در عصر غیبت امام، با توجه به ضرورت وجود حکومت در جامعه، به ویژه در مورد حکام شیعه مذهب، باور عموم علمای شیعه این بود که حاکمیت این حکام پذیرفتنی است و لذا ایجاد رابطه محدود با آنان را نکوهیده نمی شمردند. سیری در نامه های عالمان شیعی در بخشی از دوره مورد بحث این اسناد، به تقویت این نظر یاری می رساند: در دوران سلطنت ناصرالدین شاه، عالمی بزرگ و مجتهدی قدرتمند چون حاج ملاعلی کنی در نامه ای که به سال ۱۲۹۰ ق. به شاه نوشت، دیدگاه خود درباره این موضوع و رابطه بین علما و حکام را به روشنی بیان نمود. به باور وی پیامبر خاتم به جهت «قاطبه عباد» و «برای انتظام بلاد و رفع هرگونه خلل و فساد» مبعوث شد و «اطلاع رسوم و قواعد» و «تهذیب و تکمیل نفوس و اعراض و اموال، با حدود و سیاسات» از زمره وظایف وی بوده است. بدینگونه، پیامبر، در تمام شئون فردی و اجتماعی زندگانی انسان، صاحب نظر و اختیار بود و همه این اختیارات پس از پیامبر به اوصیای او تا حضرت حجت علیه السلام داده شد. اما پس از غیبت امام عصر، نوعی تقسیم وظایف و اختیارات، آن هم از سوی «خداوند متعال» صورت گرفت. وی می نویسد:

« در ازمنه غیاب آن حضرت، خداوند متعال برای هر منصب و مقامی از مقامات آن جناب نائب و مظهري مقرر فرمودند، علمای اعلام را نائب و مظهر علم و تکمیل نفوس و تطهیر اموال، و سلاطین اسلام را در هر عصری از اعصار، مصدر و مظهر تنظیم امر عباد و رفع تغلب متغلبین و امنیت طرق و بلاد مقرر داشتند تا ایادی اقویا از سر ضعف کوتاه فرمایند» به باور کئی از آنجاکه منشأ دین و اختیارات حکومتی یکی است - شخص پیامبر و سپس ائمه علیهم السلام - دین و دولت را از یکدیگر جدا نتوان دانست و در حقیقت اداره بخشی از امور خلق با علماست و سر و سامان بخشیدن به امور دیگر زندگانی آنان، به شاهان واگذار گردیده است. بدینگونه وی مدعی نیست که شاه اساساً حقی بر قدرت ندارد و «سلاطین اسلام» را مظهر اختیارات حکومتی پیامبر و امام می بیند و در مقابل وظیفه علما را تذکر خلاف کاری های حکمرانان می داند «پسند خاطر مبارک بشود یا نشود، در مقام اصلاح آن برآیند یا نیابند.»^۱

دو دهه بعد، میرزای شیرازی در نامه به ناصرالدین شاه، ضمن برشمردن زیان های واگذاری انحصار تجارت توتون و تنباکو به بیگانگان، از کوشش های «اولیای دین مبین» و «سلاطین مسلمین» برای «اعلای کلمه اسلام» یاد کرده جمله دعایی «شکرالله تعالی مساعیهم» را برای هر دو گروه به کار برده است^۲ و ده واند سال بعد، شاگرد میرزا، شیخ فضل الله نوری به هنگام بیان علت موافقت

۱. بنگرید به: ابراهیم تیموری، عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات در ایران (تهران، ۱۳۳۲ خ.)، ص ۱۲۴ - ۱۲۶، دکتر فریدون آدمیت بر این باور است که «آن نامه نگارش خود ملاعلی نیست» و می پندارد که «میرزا سعیدخان، وزیر امور خارجه که از دشمنان سپهسالار بود، در پرداختن آن دست داشته است» وی ضمن اعلام این نکته که این نامه در اسناد خان ملک ساسانی است، کمترین دلیلی برای اثبات مدعای خویش - که تأکید می کند مردیدی در درستی آن ندارد - ارائه نمی دهد. اما وی با همین اطمینان در جای دیگری از کتاب خویش «صف نعال» را «صف نعال» خوانده، سخن از بی ربطی ایرادگیری مرد نعلبند و خبرگی مرد پیشه ور رانده است. لذا تا ارائه دلیل از سوی وی، پذیرش این ادعا بسیار دشوار است و همچنان آن نامه را تقریر کئی باید دانست. در مورد سخن وی بنگرید به: فریدون آدمیت، اندیشه ترقی و حکومت قانون: عصر سپهسالار (تهران، ۱۳۵۱ خ.)، پاورقی ص ۲۰۱ و ص ۲۹۳.

۲. بنگرید به: شیخ حسن کربلایی، قرارداد رژی ۱۸۹۰ یا تاریخ انحصار دخانیات در سال ۱۳۰۹ ق. (تهران: انتشارات مبارزان، ۱۳۶۱)، ص ۴۸.

اولیه و مخالفت ثانویه خود با مشروطیت همین نکته را باز می‌کند که: «نبوت و سلطنت در انبیاء سلف، مختلف بود، گاهی مجتمع و گاهی مفترق، و در وجود مبارک نبی اکرم و پیامبر خاتم - علیه و علی آله الصلوٰۃ مادام‌العالم - و همچنین در خلفای آن بزرگوار - حقاً ام غیره - نیز چنین بود تا چندین مائة [مائه = مئه = سده]، بعد از عروض عوارض و حدوث سوانح، مرکز این دو امر یعنی تحمل احکام دینیه و اعمال قدرت و شوکت و دعاء امنیت در دو محل واقع شد و فی الحقیقه این هر دو هر یک مکمل و متمم دیگری هستند. یعنی بنای اسلام بر این دو امر است؛ ثبات در امور نبوتی و سلطنت. و بدون این دو، احکام اسلامی معطل خواهد بود. فی الحقیقه سلطنت، قوه اجرائیه احکام اسلام است.»^۱

در دوران سلطنت رضاشاه نیز از عالمی چون حاج میرزایحیی امام جمعه خویی^۲ نقل شده که در ملاقات با رضاشاه «دست به عمامه خودش و شمشیر رضاشاه» زد و گفت: «این دو تا باید حافظ یکدیگر باشند. ما باید قدرت و سلطنت را حفظ کنیم و شما هم روحانیت را، در این صورت است که اسلام باقی می‌ماند.»^۳ نامه میرزای نائینی به رضاشاه نیز که در همین مجموعه به چاپ رسیده، دارای چنین مضمونی است.

بدینگونه از آنجا که علما - دست کم در محدوده زمانی اسناد ارائه شده در این مجموعه - با اساس حاکمیت سلاطین سرسبزه نداشتند، موضعی منفی نسبت به مکاتبه و مراوده با دربار و دولت نگرفتند و چون «سلطان اسلام» و «اولی الشوکه من الحکام» را همانند دیگر شیعیان نیازمند آگاهی از نظرات خیرخواهانه خویش می‌دیدند، حتی در بدترین شرایط - چنانکه برای نمونه در مورد آیت الله حائری خواهیم دید - از اعلام نظر و ارائه نصیحت دریغ نمی‌نمودند.

۱. بنگرید به: مهدی ملکزاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران (تهران، ۱۳۲۸)، ج ۴، ص ص ۲۱۷-۲۱۸.

۲. برای آگاهی از شرح حال او بنگرید به: مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ هجری (تهران: کتابفروشی زوار، ۱۳۷۱)، ج ۴، ص ۴۳۳.

۳. بنگرید به: شصت سال خدمت و مقاومت: خاطرات مهندس مهدی بازرگان در گفتگو با سرهنگ غلامرضا نجفی (تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷)، ج ۱، ص ۱۴۰.

درباره این مجموعه:

به رغم نقش اساسی مراجع عظام تقلید در تاریخ سیاسی - اجتماعی سده اخیر ایران، تاکنون اسناد دولتی مربوط به آنان مورد رویکرد جدی پژوهشگران قرار نگرفته و به نظر می‌رسد یکی از علل این بی‌توجهی، دشواری دستیابی به این اسناد بوده است. برای رفع این نقیصه از مدتی پیش کارگردآوری، بازنویسی و تنظیم اسناد موجود درباره علما آغاز شد و اینک در نخستین گام و به عنوان بخشی از آن مجموعه، اسناد پنج تن از مراجع عظام تقلید: حضرات آیات عظام میرزا محمدحسین نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی، حاج آقا حسین قمی، حاج شیخ عبدالکریم حائری و حاج آقا حسین بروجرودی به پیشگاه پژوهشگران و علاقمندان به دانش و فضیلت عرضه می‌گردد.

بیشتر این اسناد برگرفته از مجموعه اسناد نخست وزیری، موجود در سازمان اسناد ملی ایران است و از آنجاکه سازمان به سبب حجم گسترده اسناد خود، هنوز موفق به تهیه فهرست برای تمامی اسناد موجود و در اختیار خود نشده است، می‌توان امیدوار بود که در بین اسناد فهرست نشده، همچنان اسنادی درباره شخصیت‌های مورد نظر این مجموعه وجود داشته باشد و در آینده به دست آید.

در مورد اسناد سازمان، استفاده شده در این مجموعه، تذکر این نکات لازم است:

۱. شماره تنظیم اسناد هر یک از مراجع، در مجموعه اسناد نخست وزیری به شرح زیر می‌باشد:

حضرت آیت الله نائینی ۳ - ۱۱۶۰۰۱، حضرت آیت الله اصفهانی ۲ - ۱۱۶۰۰۱، حضرت آیت الله قمی ۵ - ۱۱۶۰۰۱، حضرت آیت الله حائری ۱۷ - ۱۱۶۰۰۱، حضرت آیت الله بروجرودی ۴ - ۱۱۶۰۰۱.

۲. ویراستاری سجاوندی متن اسناد، کار ماست.

۳. به سبب فراگیر بودن و گوناگونی شکل‌ها، در بازنویسی متعرض ذکر آرم شیروخورشید موجود بر روی اسناد نشدیم.

افزون بر اسناد سازمان اسناد ملی ایران، در این مجموعه، از اسناد مرکز اسناد ریاست جمهوری و موسسه مطالعات تاریخ معاصر وابسته به بنیاد مستضعفان

و جانبازان انقلاب اسلامی نیز بهره گرفته شده است. همچنین، به درخواست اینجانب، مسئولین محترم مرکز اسناد انقلاب اسلامی به جستجو در اسناد موجود در آن مرکز پرداختند اما ظاهراً جز دوبرگ بریده روزنامه مرتبط با حضرت آیت الله بروجردی، سند دیگری دربارهٔ مراجع مورد نظر در اختیار نداشتند.

گفتمی است با همهٔ تلاش انجام گرفته، آنچه در این کتاب عرضه شده به هیچ وجه تمامی اسناد موجود آن مراجع تقلید نیست. گذشته از بسیاری دستخط‌ها، اجازات اجتهاد و نامه‌های مراجع که نزد اشخاص حقیقی است و سازمان‌های دولتی از دسترسی بدانها محرومند،^۱ اسناد همهٔ سازمان‌های دولتی نیز در اختیار ما نبوده است. برای نمونه، شنیده شد که مأمورین مخفی شهربانی، از مجلس درس حضرت آیت الله بروجردی گزارش‌های روزانه تهیه می‌کردند و این اسناد در شهربانی قم بوده است لیکن دسترسی به آنها مقدور نشد و ظاهراً اینک در اختیار مرکز اسناد انقلاب اسلامی - شعبه قم - می‌باشد.

۱. البته برخی از این اسناد در مواضع گوناگون به چاپ رسیده است. برای نمونه بعضی از نامه‌های حضرت آیت الله بروجردی به حجت الاسلام فلسفی، در کتاب خاطرات ایشان هست. تصویر نامه‌ای از آیت الله اصفهانی به شاه و پاسخ وی در مجموعهٔ بیست و هشت هزار روز تاریخ ایران و جهان به چاپ رسیده است و یکی از اجازات اجتهاد ایشان برای دکتر ضیایی در خاطرات و اسناد دکتر غلامحسین بیگدلی هست. در مجموعه تاریخ و فرهنگ معاصر، اسنادی از مراجع وقت ارائه شده و نامه‌هایی از آیت الله بروجردی در کتاب زندگینامه ایشان به قلم حجت الاسلام علوی چاپ گردیده است.